

عنوان مقاله: بررسی نقش چابکی سازمانی و هم‌ترازی راهبردی در روابط میان حاکمیت فناوری اطلاعات و تفکر راهبردی با عملکرد سازمانی

فرج‌اله رهنورد^۱ - سعید نجفی توانی^۲ - علی یزدی‌زاده^۳

دریافت: ۱۳۹۵/۵/۱۲

پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۱۰

چکیده:

پژوهش پیش رو به دنبال این است که آیا سطوحی از حاکمیت فناوری اطلاعات، تفکر راهبردی، چابکی سازمانی و هم‌ترازی راهبردی می‌توانند منجر به عملکرد بهتر دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان گردد. این پژوهش از نظر ماهیت و روش، در دسته پژوهش‌های علی قرار می‌گیرد؛ همچنین، از لحاظ هدف شناختی، یک پژوهش کاربردی و مبنای پژوهش کمی است. روش جمع‌آوری داده‌ها، میدانی است. جامعه آماری پژوهش، شامل همه دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان است. با توجه به تعداد جامعه آماری (۷۷ سازمان) و جدول مورگان، حجم نمونه ۶۴ سازمان محاسبه شد که در نهایت، ۶۲ پرسش‌نامه جمع‌آوری گردید. برای آزمون فرضیات این پژوهش از یک پرسش‌نامه شامل ۸۸ پرسش استفاده شده است که مشتمل بر ابعاد حاکمیت فناوری اطلاعات، تفکر راهبردی، چابکی سازمانی، هم‌ترازی راهبردی و عملکرد سازمانی بوده است. بر اساس آزمون t تک‌نمونه‌ای، سطح عملکرد دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان در حد نسبتاً مطلوبی است. همچنین، نتایج به دست آمده از تحلیل مسیر مبتنی بر واریانس در نرم‌افزار SmartPLS نشان می‌دهد که چابکی سازمانی روابط بین حاکمیت فناوری اطلاعات و هم‌ترازی راهبردی با عملکرد سازمانی را به خوبی میانجی‌گری می‌کند. همچنین، تفکر راهبردی از طریق هم‌ترازی راهبردی بر روی عملکرد سازمانی اثر مثبت و معناداری دارد.

کلیدواژه‌ها: عملکرد سازمانی، حاکمیت فناوری اطلاعات، هم‌ترازی راهبردی، چابکی سازمانی، تفکر راهبردی، دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان.

۱. دانشیار مدیریت دولتی، گروه مدیریت مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
f.rahnvard@imps.ac.ir

۲. استادیار مدیریت صنعتی، گروه مدیریت مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
S.najafitavani@imps.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (نویسنده مسؤل).
Yazdizadeh.90@gmail.com

در دهه‌های پسین، یکی از موضوع‌های مورد توجه پژوهشگران، عملکرد سازمانی است که باعث نوآوری‌های زیادی در این زمینه شده و اطلاعات به‌دست‌آمده از آن توانایی سازمان را در کسب مزیت رقابتی و افزایش عملکرد، بالا می‌برد (Bosilj-Vuksic, Milanovic & Indihar-Stemberger, 2008). موینیهان و پاندی^۱ (۲۰۰۵) به این مطلب اشاره کرده‌اند که با آغاز قرن ۲۱، ما خود را در عصر «حکمرانی بر مبنای مدیریت عملکرد» می‌بینیم. تأکید بر نتایج و عملکرد، دلیل و ریشه این نام‌گذاری است. از چند دهه گذشته، مفهوم عملکرد در رأس تحولات مدیریت دولتی قرار گرفته و به هدف اصلی آن تبدیل شده است. بیش‌ترین و مهم‌ترین تحولات سال‌های پسین بر مفاهیم عملکرد سازمانی و اثربخشی متمرکز بوده که بهبود عملکرد بخش دولتی را به‌عنوان هدف اصلی خود بیان کرده‌اند. عملکرد سازمانی متأثر از عوامل زیادی است. یکی از راه‌های بهبود عملکرد سازمانی، بحث چابکی سازمانی و هم‌ترازی راهبردی است (Wu, Straub & Liang, 2015). به‌گونه‌ای که امروزه نقش هم‌ترازی راهبردی و چابکی سازمانی در ارتقای عملکرد سازمانی و به‌خصوص سازمان‌های دولتی بسیار مورد توجه اندیشمندان و پژوهشگران قرار گرفته است (رهنورد و نیکزاد، ۱۳۸۸). با وجود شناخت اهمیت هم‌ترازی راهبردی و چابکی سازمانی، پژوهش‌هایی اندک در مورد تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات و تفکر راهبردی روی عملکرد صورت گرفته است. همچنین، تفکر راهبردی به‌عنوان یک عامل مهم برای برقراری هم‌ترازی راهبردی، کم‌تر در سازمان‌های دولتی مورد توجه بوده؛ درحالی‌که پژوهش‌های پیشین به اهمیت این موضوع اشاره کرده‌اند (Wang, 2014).

در سطح جهانی، سهم فناوری اطلاعات در دستیابی به اهداف کسب‌وکار، یک مسأله مهم برای مدیریت است. بررسی سالانه شرکت‌های علوم رایانه^۲ در سال ۲۰۰۱، فناوری اطلاعات را به‌عنوان دومین مسأله مهم برای مدیران فناوری اطلاعات آمریکای شمالی، نشان می‌دهد (CSC, 2001). همچنین، به‌عنوان یک مسأله پایدار، گزارش‌های سالیانه منتشر شده از بررسی‌های مختلف، از سال ۱۹۹۱ تاکنون نشان می‌دهد که هم‌ترازی راهبردی به‌عنوان یکی از پنج مسأله مهم نگران‌کننده

1. Moynihan & Pandey
2. Computer Sciences Corporation's Annual Survey

مدیران فناوری اطلاعات، دسته‌بندی شده است (Melville, Kraemer & Gurbaxani, 2004). امروزه افزایش توانایی سازمان‌ها در پاسخ‌گویی مناسب و چابک برای باقی ماندن در سطح جهانی رقابت، توسط فناوری اطلاعات، بیش‌تر از پیش آشکار شده است (Wu, Straub & Liang, 2015). Tallon & Pinsonneault, 2011). با این حال، استفاده مؤثر از فناوری اطلاعات، تکیه‌ای سنگین بر حاکمیت فناوری اطلاعات دارد. هنگامی که حاکمیت سازمان و فناوری اطلاعات به سمت نادرست می‌روند، نتایج ویرانگری به بار می‌آورد. ورشکستگی شرکت Enron در سال ۲۰۰۱ و تصویب قانون ساربنز-آکسلی^۱ در سال ۲۰۰۲ نشان‌دهنده حقیقت ساده‌ای از این دیدگاه هستند که امروزه ارتباط حاکمیت فناوری اطلاعات با پژوهش در مورد مدیریت فناوری اطلاعات و کسب‌وکار، افزایش یافته و مهم است (Wu, Straub & Liang, 2015).

در سطح ملی نیز بر اساس گزارش‌های گوناگون از سازمان برنامه‌بودجه ایران، عملکرد بسیاری از دستگاه‌های دولتی بسیار مهم بوده و در برخی کلان‌شهرها از جمله شهر کرمان، بهبود آن بسیار مورد توجه است. امروزه کاهش عملکرد دستگاه‌های دولتی ایران از جمله شهر کرمان باعث افزایش نارضایتی مشتریان شده و این نارضایتی در بدبینی آن‌ها و کاهش مراجعه به این سازمان‌ها مؤثر است. همچنین، بهبود عملکرد دستگاه‌های دولتی می‌تواند باعث بهبود انتظارات و رضایت مشتریان و همچنین همه‌ذی‌نفعان این دستگاه‌ها شود. چُن و رینی^۳ (۲۰۰۵) بیان می‌کنند که کاهش عملکرد سازمان‌های دولتی، باعث مبهم و گم شدن هدف سازمانی می‌شود. با توجه به هدف سازمان‌های دولتی و حمایت و بودجه کلان دولتی برای آن‌ها، بهبود عملکرد سازمان‌های دولتی شهر کرمان یکی از موضوع‌های بسیار مهم است که باید به آن پرداخته شود. همچنین، با توجه به گزارش‌های ارزیابی عملکرد سازمان برنامه‌بودجه ایران، عملکرد دستگاه‌های دولتی یکی از ارکان مهم برای دولت و مردم است. در ایران امروزه به دلیل عملکرد پایین دستگاه‌های اجرایی و انتظارات بالای مراجعه‌کنندگان، این موضوع بسیار اهمیت یافته است. از این رو، لازم است که به‌منظور بهبود عملکرد سازمانی، عوامل مؤثر بر عملکرد سازمان شناسایی شده و رابطه آن‌ها با عملکرد سازمانی مورد بررسی قرار بگیرد. در پژوهش پیش‌رو، عوامل مؤثر تفکر راهبردی، حاکمیت فناوری اطلاعات، هم‌ترازی راهبردی و چابکی سازمانی برای عملکرد سازمانی شناسایی

1. The Sarbanes-Oxley Act

۲. این قانون، استانداردهای جدید یا بهبودیافته‌ای را برای هیئت‌مدیره‌ها و مدیران شرکت‌های عام، و موسسات حسابداری عمومی آمریکا مقرر کرده است. طبق این قانون، مدیران ارشد شرکت‌های عام آمریکا مکلفاند شخصا درستی اطلاعات مالی شرکت را گواهی کنند.

3. Chun & Rainey

شده است و رابطه آن‌ها با عملکرد سازمانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هم‌ترازی راهبردی یکی از عوامل بسیار مهم و تأثیرگذار بر عملکرد سازمانی است که برقراری این متغیر مستلزم وجود حاکمیت فناوری اطلاعات و حاکمیت تفکر راهبردی است.

در این پژوهش، یک شبکه قانونی^۱ بر اساس نظریه تنظیم شده است تا به بررسی ارتباط هم‌زمان حاکمیت فناوری اطلاعات، تفکر راهبردی، چابکی سازمانی، هم‌ترازی راهبردی و عملکرد سازمانی پرداخته شود.

مبانی نظری پژوهش

هم‌ترازی راهبردی

امروزه سازمان‌ها به سمت فناورانه شدن پیشرفته‌اند؛ چراکه فناوری چه در محیط‌های پایدار و چه در محیط‌های متغیر، به شیوه‌هایی گوناگون می‌تواند عملکرد سازمان را بهبود بخشد (Tan, Pan & Hackney, 2010). با وجود اهمیت پژوهشگران، مدیران و سیاست‌گذاران به این‌که چگونه فناوری اطلاعات به عملکرد سازمانی کمک می‌کند، نااطمینانی و بحث در مورد آن چه ما می‌دانیم و نمی‌دانیم وجود دارد (Melville, Kraemer & Gurbaxani, 2004). در دوره زمانی کنونی، ارتباطات الکترونیکی در داخل و میان سازمان‌ها، باعث افزایش و تغییر روش‌های سازمان در به‌دست آوردن عوامل ورودی، تبدیل آن‌ها به محصولات و خدمات و توزیع آن‌ها به مشتریان خود شده است (Straub & Watson, 2001) و این باعث افزایش پرسش‌هایی در این مورد شده است که فناوری اطلاعات چگونه عملکرد سازمان را بهبود می‌بخشد. پس از پژوهش‌هایی کلان در زمینه عملکرد و فناوری اطلاعات، یکی از رویکردهایی که بسیار مورد توجه است، بحث راهبرد فناوری اطلاعات و راهبرد کسب‌وکار است. پس از سال‌ها پژوهش گسترده، هم‌ترازی راهبردی^۲ فناوری اطلاعات به‌عنوان یک‌میزان متناسب میان فناوری اطلاعات و راهبرد کسب‌وکار تعریف شده که در صدر اولویت برای پژوهشگران و متخصصان سیستم‌های اطلاعاتی باقی‌مانده است (Tallon & Pinsonneault, 2011). چن^۳ (۱۹۹۲) هم‌ترازی راهبردی فناوری اطلاعات را درجه انسجام میان راهبرد کسب‌وکار و راهبرد فناوری اطلاعات برآورده، تعریف می‌کند. مطالعات گوناگون نشان داده است که هم‌ترازی راهبردی فناوری اطلاعات بر عواملی مانند سود، بهره‌وری، رشد، و

1. Nomological Network
2. Strategic Alignment
3. Chan

شهرت تأثیر دارد که باعث می‌شود سازمان در تلاش برای افزایش بیش‌تر میزان تناسب میان فناوری اطلاعات و راهبرد کسب‌وکار باشد (Chan, 1992; Tallon, 2007; Oh & Pinsonneault, 2007; Preston & Karahanna, 2009).

تفکر راهبردی

جلسه^۱ (۲۰۰۹) بیان می‌کند که لازمهٔ ایجاد هم‌ترازی راهبردی، وجود تفکر راهبردی است. لیتکا^۲ (۱۹۹۸) باور دارد که گرچه تفکر راهبردی از افراد آغاز می‌شود، اما آن‌ها نیازمند بهره‌مندی از بستر سازمانی حامی تفکر و گفتمان راهبردی در فضای سازمان هستند که بنیانی برای خلق راهبردهای جدید است و قادر است قواعد رقابت را تغییر و چشم‌انداز کاملاً متفاوت از وضع موجود را ترسیم نماید.

عملکرد سازمانی

همچنین، در فضای رقابتی و متغیر کنونی، سازمان‌ها تلاش می‌کنند تا از راه‌های گوناگون، عملکرد خود را بهبود ببخشند و مزیت رقابتی پایدار ایجاد کنند. عملکرد سازمانی یک ساختار اساسی در مدیریت راهبردی است. ساختار عملکرد سازمانی اشاره به این پدیده دارد که بعضی سازمان‌ها موفق‌تر از دیگر سازمان‌ها هستند. ساختار، یک اصطلاح مفهومی است که پژوهشگران آن را برای توصیف یک پدیدهٔ واقعی تعریف می‌کنند که به‌طور طبیعی دیدنی نیست (Hamann *et al.*, 2013). هم‌ترازی راهبردی و برنامه‌ریزی یکی از مواضع نگرانی مدیریت ارشد از آغاز سیستم‌های اطلاعاتی بوده (Luftmann & Kempaiah, 2008) و تأثیر مثبت آن بر عملکرد سازمانی در پژوهش‌های پیشین بررسی شده است (Tallon & Pinsonneault, 2011; Oh & Pinsonneault, 2007).

چابکی سازمانی

همچنین، میزان مشخصی افزایش در نوسانات محیطی به دلیل نااطمینانی بیش‌تر باعث شده است تا سازمان‌ها توانایی‌های خود را در پاسخ به تغییرات محیطی در نظر بگیرند. در رویارویی با تغییرات سریع و بیش‌تر پیش‌بینی نشده، چابکی به‌عنوان توانایی تشخیص و واکنش سازمان به فرصت‌ها و تهدیدها با سهولت، سرعت و مهارت تعریف شده و در کنار هم‌ترازی، به‌عنوان یک راه‌حل کلیدی کسب‌وکار ظهور کرده و مورد توجه بسیاری از پژوهشگران سیستم‌های اطلاعاتی

1. Jelenc
2. Liedtka

واقع شده است (Sambamurthy, Bharadwaj & Grover, 2003; Weill, Subramani) و سازمان را با گسترش فعالیت‌های رقابتی و پاسخ‌های امکان‌پذیر نسبت به تغییرات محیطی بهبود بخشد (Sambamurthy, Bharadwaj & Grover, 2003).

حاکمیت فناوری اطلاعات

نشان دادن ارزش سرمایه‌گذاری فناوری اطلاعات، پایه و اساسی برای کمک به نظام سیستم‌های اطلاعاتی است (Agarwal & Lucas, 2005). به‌طور ویژه، حاکمیت فناوری اطلاعات به‌دلیل تأثیر زیاد خود در ارزش ایجادشده توسط سرمایه‌گذاری در فناوری اطلاعات بسیار مهم است. ویل و راس^۱ (۲۰۰۵) استدلال می‌کنند که «حاکمیت فناوری اطلاعات مؤثر، یکی از مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های ارزش سازمان، حاصل از فناوری اطلاعات است». پژوهش‌ها (Weill & Ross, 2004; 2005) نشان می‌دهد، شرکت‌هایی که عملکردی بالا دارند، به میزان ۴۰ درصد بیش‌تر از رقبایشان روی فناوری اطلاعات خود سرمایه‌گذاری می‌کنند؛ چراکه شرکت‌ها می‌توانند ارزش بیش‌تری به‌وسیله طراحی خوب و ارتباط فرآیندهای حاکمیت فناوری اطلاعات کسب کنند. به‌عبارت‌دیگر، ارزش کسب‌وکار با اجرای یک چارچوب حاکمیت فناوری اطلاعات مؤثر می‌تواند ایجاد شود (Kearns & Sabherwal, 2006). تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات بر عملکرد سازمان، در مطالعات پیشین به‌خوبی مشخص شده است؛ با وجود این، یک شکاف مبنی بر این‌که چگونه حاکمیت فناوری اطلاعات، عملکرد شرکت را تحت تأثیر قرار می‌دهد، وجود دارد و این هنوز نامشخص است که با کدام سازوکار دقیق، حاکمیت فناوری اطلاعات اثرش را بر عملکرد شرکت اعمال می‌کند (Wu, Straub & Liang, 2015). حاکمیت فناوری اطلاعات در ادبیات، به‌نگرانی در مورد انتخاب پروژه فناوری اطلاعات و اولویت‌بندی مسائل و چگونگی تفویض اختیار در مورد منابع و پاسخ‌گویی برای فناوری اطلاعات که میان شرکای کسب‌وکار، مدیران فناوری اطلاعات و ارائه‌دهندگان خدمات مشترک هستند، گفته می‌شود (Weill & Ross, 2004; 2005).

پیشینه پژوهش

رهنورد و نیکزاد (۱۳۸۸) پژوهشی با نام «ایجاد هم‌ترازی بین عناصر سازمانی در پرتو نقاط مرجع راهبردی و رابطه آن با عملکرد سازمانی» در مورد بررسی نقش هم‌ترازی عناصر سازمانی در ارتقای

1. Weill & Ross

عملکرد سازمانی از داده‌های ثانویه مدل جشنواره شهید رجایی انجام دادند. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که میان هم‌ترازی و عملکرد سازمانی همبستگی مثبت وجود دارد. ابراهیمی رهبر و فدایی (۱۳۹۴) در پژوهشی با نام «بررسی تأثیر چابکی سازمان بر عملکرد مالی سازمانی، مورد مطالعه: شرکت‌های کوچک و متوسط تولیدکننده مواد غذایی در استان گیلان»، ۱۵۰ شرکت کوچک و متوسط تولیدکننده مواد غذایی در استان گیلان را بررسی کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که چابکی سازمانی بر عملکرد مالی تأثیری مثبت و مستقیم دارد. محسنی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی با نام «بررسی تأثیر هوش سازمانی و چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی کارکنان دیوان محاسبات کشور» با توزیع پرسش‌نامه در میان کارکنان دیوان محاسبات کشور و تحلیل آن، به این نتیجه رسیدند که هوش سازمانی و چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی کارکنان دیوان محاسبات کشور تأثیری مثبت و معنادار دارد. خوش‌سیما و جعفرنژاد (۱۳۹۰) در پژوهشی با نام «ارائه مدل ساختاری چابکی، مزیت رقابتی و عملکرد سازمان‌های تولیدی ایران» به بررسی تأثیر مستقیم و غیرمستقیم چابکی سازمانی بر عملکرد سازمان‌های تولیدی پرداختند. نتایج نشان داد که چابکی هم به صورت مستقیم و هم از طریق مزیت رقابتی بر عملکرد سازمان‌های تولیدی تأثیری مثبت و معنادار دارد.

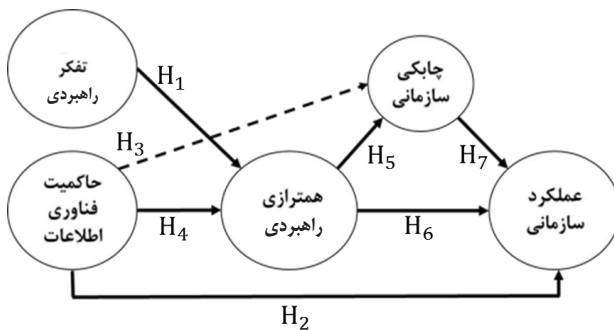
وو، استراب و لیانگ^۱ (۲۰۱۵) پژوهشی با نام «چگونه حاکمیت فناوری اطلاعات و هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی تأثیر می‌گذارد: بینشی از مدیران کسب‌وکار و فناوری اطلاعات» انجام دادند. نتایج بررسی آن‌ها در میان ۷۲ شرکت تولیدی کشور تایوان نشان داد که حاکمیت فناوری اطلاعات یک تأثیر مثبت و معنادار بر هم‌ترازی راهبردی دارد و همچنین، تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات به‌خوبی از طریق هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی میانجی می‌شود. تالون و پینسونلت^۲ (۲۰۱۱) پژوهشی با نام «دیدگاه رقابتی بر پیوند میان هم‌ترازی راهبردی و چابکی سازمانی: بینشی از یک مدل واسطه» انجام دادند. آن‌ها در این پژوهش به بررسی تأثیر نقش هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمان با نقش میانجی چابکی سازمانی و تعدیلگری انعطاف‌پذیری فناوری اطلاعات و نااطمینانی محیطی پرداختند. نتایج نشان داد که اثر هم‌ترازی روی عملکرد سازمانی کاملاً به‌وسیله چابکی میانجی می‌شود و نااطمینانی محیطی نیز رابطه میان چابکی و عملکرد سازمانی را به گونه‌ای مثبت تعدیل می‌کند و چابکی تأثیر زیادی بر عملکرد سازمانی در شرایط آشفته و نااطمینانی دارد. درحالی‌که انعطاف‌پذیری فناوری اطلاعات بر رابطه میان هم‌ترازی راهبردی و فناوری اطلاعات تأثیری ندارد. ونگ^۳ (۲۰۱۴) در پژوهش خود با نام «توسعه و آزمون یک چارچوب جدید برای هم‌ترازی راهبردی» بیان کرد که یکی از ملزومات برقراری هم‌ترازی راهبردی

1. Wu, Straub & Liang
2. Tallon & Pinsonneault
3. Wang

در سازمان، تفکر راهبردی است. همچنین، نتایج به دست آمده از پژوهش وی نشان داد که تفکر راهبردی بر هم‌ترازی راهبردی اثری مثبت و معنادار دارد. دی‌هیس و فان‌گرمبرگن^۱ (۲۰۰۹) در پژوهش خود با نام «یک مطالعه اکتشافی درباره پیاده‌سازی حاکمیت فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر هم‌ترازی راهبردی» به این نتیجه رسیدند که عملکرد سازمانی در زمان‌های پیاده‌سازی حاکمیت فناوری اطلاعات، دارای بلوغ بیش‌تری است. برگرون، ریموند و ریوارد^۲ (۲۰۰۴) در پژوهشی با نام «بهترین الگو از هم‌ترازی راهبردی و عملکرد تجاری» با بررسی ۱۱۰ شرکت کوچک و متوسط به این نتیجه رسیدند که هم‌ترازی راهبردی، اثری مثبت و معنادار بر عملکرد شرکت‌های کوچک و متوسط دارد. یایلا و هو^۳ (۲۰۱۲) در پژوهشی با نام «تأثیر هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد شرکت در یک محیط کشور در حال توسعه: بررسی نقش تعدیل‌گری نااطمینانی محیطی و جهت‌گیری راهبردی» به بررسی شرکت‌های کشور ترکیه پرداختند. نتایج به دست آمده از پژوهش نشان داد که هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد شرکت‌ها تأثیری مثبت و معنادار دارد و نااطمینانی محیطی و جهت‌گیری راهبردی این رابطه را به‌خوبی تعدیل می‌کنند. جنلس (۲۰۰۹) در پژوهشی با نام «تأثیر مدیریت و تفکر راهبردی بر عملکرد شرکت‌های کارآفرین» به این نتیجه رسید که تفکر راهبردی یکی از عوامل مؤثر بر هم‌ترازی راهبردی است و رابطه‌ای مثبت و معنادار با آن دارد.

مدل مفهومی پژوهش

مدل مفهومی پژوهش پیش‌رو، بیان‌کننده بررسی نقش چابکی سازمانی و هم‌ترازی راهبردی در روابط بین حاکمیت فناوری اطلاعات و تفکر راهبردی با عملکرد سازمانی است که ساختار کلی پژوهش مطابق با شکل (۱) روابط زیر را مورد بررسی و سنجش قرار داده است.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

1. De Haes & Van Grembergen
2. Bergeron, Raymond & Rivard
3. Yayla & Hu

لازم به توضیح است که مدل مفهومی پژوهش یک مدل تلفیقی است که بر پایه مدل تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) و مدل وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) ساخته شده است. در تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) بر روابط میان هم‌ترازی راهبردی، چابکی سازمانی و عملکرد سازمانی و در مدل وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) بر روابط میان حاکمیت فناوری اطلاعات، هم‌ترازی راهبردی و عملکرد سازمانی و در مدل جنس (۲۰۰۹) بر روابط میان تفکر راهبردی و هم‌ترازی راهبردی، بررسی صورت گرفته است. با توجه به بیان مسأله و مدل مفهومی، این پژوهش به‌دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

عملکرد دستگاه‌های دولتی شهر کرمان در چه سطحی است؟

آیا تفکر راهبردی و حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد دستگاه‌های دولتی شهر کرمان تأثیرگذار هستند؟

آیا هم‌ترازی راهبردی و حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد دستگاه‌های دولتی شهر کرمان تأثیرگذار هستند؟

همچنین، بنابر مدل مفهومی، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر هستند:

۱. تفکر راهبردی بر هم‌ترازی راهبردی تأثیر دارد.
۲. حاکمیت فناوری اطلاعات بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد.
۳. حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی تأثیر دارد.
۴. حاکمیت فناوری اطلاعات بر هم‌ترازی راهبردی تأثیر دارد.
۵. هم‌ترازی راهبردی بر چابکی سازمانی تأثیر دارد.
۶. هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد.
۷. چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد.
۸. حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد.
۹. حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر چابکی سازمانی تأثیر دارد.
۱۰. حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد.
۱۱. هم‌ترازی راهبردی از طریق چابکی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد.

روش پژوهش

بر اساس پیاز پژوهش^۱ (Saunders, Lewis & Thornhill, 2003)، این پژوهش از نظر جهت‌گیری پژوهش از نوع کاربردی، از نظر فلسفه پژوهش از نوع اثبات‌گرایی، از نظر رویکردهای

1. Onion Research

پژوهش از نوع استقرایی - قیاسی، از نظر راهبردهای پژوهش از نوع پیمایشی، از نظر اهداف پژوهش توصیفی، از نظر افق‌های پژوهش، مقطعی و از نظر شیوه‌های جمع‌آوری داده‌های پژوهش، از نوع پرسش‌نامه است. جامعه آماری این پژوهش شامل همه دستگاه‌های دولتی شهر کرمان است که تعداد ۷۷ سازمان برآورد شده است. با در نظر گرفتن جدول مورگان، ۶۴ سازمان به‌عنوان حجم نمونه انتخاب و پرسش‌نامه‌ها میان آن‌ها توزیع گردید که فقط ۶۲ سازمان به تکمیل پرسش‌نامه اقدام کردند. در این پژوهش از روش گلوله‌برفی^۱ برای نمونه‌گیری استفاده شده است. در این روش از نخستین مشارکت‌کنندگان خواسته می‌شود تا با دیگران تماس و ارتباط برقرار کنند و آن‌ها را نیز در این پژوهش مشارکت دهند (خاکی، ۱۳۹۱). برای پاسخ به پرسش‌های پرسش‌نامه از طیف ۵ تایی لیکرت استفاده شده است. برای این منظور، بر اساس متغیرهای مورد بررسی ۸۸ پرسش تدوین شده است.

در این پژوهش پرسش‌نامه استاندارد از منابع بین‌المللی حاکمیت فناوری اطلاعات و هم‌ترازی راهبردی از پژوهش وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵)، عملکرد سازمانی از چُن و رینی (۲۰۰۵)، تفکر راهبردی از جلنس (۲۰۰۹) و چابکی سازمانی از شریفی و ژنگ^۲ (۲۰۰۱) استخراج شده است و متناسب با جامعه آماری تغییراتی در آن ایجاد شده است؛ به عبارتی دیگر، پرسش‌نامه هنجاریابی شده است. همچنین، برای سنجش روایی پرسش‌نامه علاوه بر استفاده از مبانی نظری در تعریف عملیاتی متغیرها، از طریق مطالعه مقدماتی بر مبنای نظر مشاوران و خبرگان اهل فن عمل شده است. روایی صوری ملاک نظر استادان و صاحب‌نظران قرار داده شده است. همچنین، روایی واگرا و همگرایی متغیرهای پژوهش در جدول‌های (۱) و (۲) بیان شده است که با توجه به این جدول‌ها، روایی واگرا و همگرا مدل پذیرفتنی است.

جدول ۱: روایی همگرایی مدل

متغیر	مقدار AVE
تفکر راهبردی	۰/۵۱
حاکمیت فناوری اطلاعات	۰/۵۳
هم‌ترازی راهبردی	۰/۸۱
چابکی سازمانی	۰/۵۶
عملکرد سازمانی	۰/۶۵

1. Snow Balling
2. Sharifi & Zhang

جدول ۲: روایی و آگرا (روش فورنر و لاکر)^۱

چابکی سازمانی	هم‌ترازی راهبردی	حاکمیت فناوری اطلاعات	عملکرد سازمانی	تفکر راهبردی
۰/۷۵				
	۰/۹۰			
		۰/۷۳		
			۰/۷۲	
				۰/۸۰
				۰/۷۲
				۰/۷۸
				۰/۷۰
				۰/۸۶
				۰/۷۴

برای کسب اطمینان از پایایی ابزار، از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که در جدول (۳) آورده شده است.

جدول ۳: مقادیر آلفای کرونباخ پرسش‌نامه

متغیر	آلفای کرونباخ نهایی
حاکمیت فناوری اطلاعات	۰/۷۱
هم‌ترازی راهبردی	۰/۷۶
چابکی سازمانی	۰/۷۴
عملکرد سازمانی	۰/۸۲
تفکر راهبردی	۰/۸۸

به‌منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کلموگروف - اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها و آزمون t تک نمونه‌ای و آزمون تحلیل مسیر مبتنی بر واریانس استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی

با توجه به این‌که واحد تحلیل این پژوهش سازمان است، اطلاعات توصیفی مربوط به نمونه آماری این پژوهش، از نظر تعداد کارکنان سازمان‌ها، نوع سازمان‌ها و بخش فعالیت سازمان‌ها در جدول (۴) مورد بررسی و تلخیص قرار گرفته‌اند.

1. Fornier & Larcker

جدول ۴: ویژگی‌های جمعیت‌شناختی سازمان‌ها

درصد	فراوانی	ویژگی‌های جمعیت‌شناختی سازمان‌ها	
۳/۵۷	۳۵	کمتر از ۲۰۰ نفر	تعداد کارکنان
۳/۲۱	۱۳	۲۰۰ تا ۴۰۰ نفر	
۴/۱۱	۷	۴۰۱ تا ۶۰۰ نفر	
۵/۶	۴	۶۰۱ تا ۸۰۰ نفر	
۲/۳	۲	بیشتر از ۸۰۰ نفر	
۵/۶۴	۴۰	واحد استانی و وزارتخانه	نوع سازمان
۲/۲۴	۱۵	شرکت دولتی	
۳/۱۱	۷	واحد استانی موسسه دولتی	
۱/۱۶	۱۰	آموزشی / فرهنگی	بخش فعالیت سازمان
۰	۰	سیاسی / دفاعی	
۸/۴	۳	تولیدی / صنعتی	
۱/۱۶	۱۰	اقتصادی / مالی	
۸/۴۶	۲۹	خدماتی / اجتماعی	
۱/۱۶	۱۰	فنی / زیربنایی	

تعیین نرمال بودن داده‌ها

H_0 : توزیع مشاهدات با توزیع نرمال همگون است.
 H_1 : توزیع مشاهدات با توزیع نرمال همگون نیست.

جدول ۵: تعیین نرمال بودن داده‌ها

مقدار sig	متغیرهای پژوهش
۰/۰۵	تفکر راهبردی
۰/۰۵	حاکمیت فناوری اطلاعات
۰/۲۶۲	همترازی راهبردی
۰/۰۹۵	چابکی سازمانی
۰/۰۵۸	عملکرد سازمانی

با توجه به جدول (۵)، همه اعداد مربوط به مقدار معناداری متغیرها می‌توان ادعا کرد که داده‌ها نرمال هستند و فرضیه H_0 را نمی‌توان رد کرد. بنابراین، شرط استفاده از آزمون‌های پارامتریک برقرار است.

سنجش عملکرد سازمانی

پرسش نخست پژوهش: عملکرد دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان در چه سطحی است؟ برای پاسخ به این پرسش، فرضیه‌های آماری زیر مطرح گردیده است:

$H_0: \mu \leq 3$: وضعیت متغیرها در جامعه مورد مطالعه در سطح مطلوب نیست.

$H_1: \mu > 3$: وضعیت متغیرها در جامعه مورد مطالعه در سطح مطلوب است.

برای آزمون فرضیه از آماره t تک‌نمونه‌ای استفاده شده که نتایج آن در جدول (۶) آورده شده است.

جدول ۶: آزمون t تک‌نمونه‌ای برای بررسی وضعیت متغیرها

ارزش آزمون = ۳					
متغیر	مقدار T	درجه آزادی	سطح معناداری	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد کران پایین کران بالا
عملکرد سازمانی	۴/۷۸۶	۶۱	۰/۰۰۰	۳/۵۱۶۱	۰/۳۰۰۵ ۰/۷۳۱۸

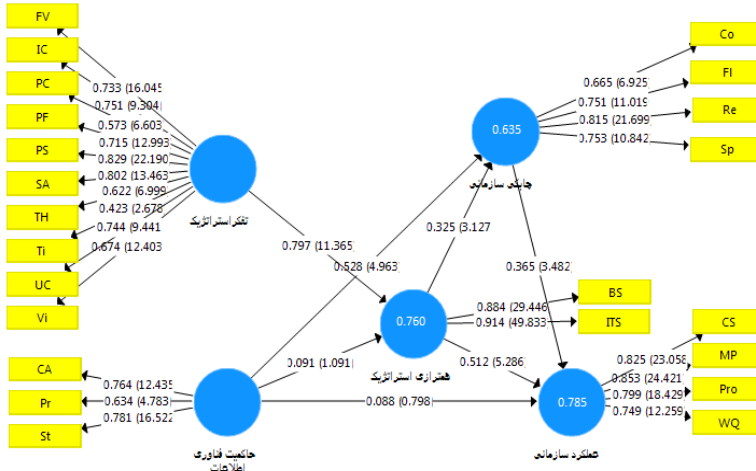
با توجه به نتایج خروجی نرم‌افزار مقدار آزمون تک‌نمونه‌ای در جدول (۶) نشان می‌دهد که با اطمینان ۹۹٪ درصد و سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱، فرضیه H_0 رد می‌شود. به عبارت دیگر، عملکرد سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان در سطحی به نسبت مطلوب قرار دارد.

مدل ساختاری

پرسش دوم پژوهش: آیا تفکر راهبردی و حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی تأثیرگذار است؟

پرسش سوم پژوهش: آیا هم‌ترازی راهبردی و حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی تأثیرگذار هستند؟

همان‌گونه که در شکل (۲) دیده می‌شود، همه اعداد معناداری میان متغیرها به جز اعداد معناداری میان متغیر حاکمیت فناوری اطلاعات و هم‌ترازی راهبردی (۱/۰۹) و میان حاکمیت فناوری اطلاعات و عملکرد سازمانی (۰/۷۹)، بالاتر از حد بحرانی ۱/۹۶ هستند.



شکل ۲: الگوی معادلات ساختاری پژوهش در حالت معناداری ضرایب و حالت استاندارد

همچنین، مقدار R^2 مربوط به سازه هم‌ترازی راهبردی برابر با $0/76$ و چابکی سازمانی برابر با $0/63$ و در نهایت برای عملکرد سازمانی برابر با $0/78$ است که نشان از مناسب بودن این معیار دارد. در این جا برای پاسخ به پرسش‌های دوم و سوم پژوهش از آزمون سوئیل استفاده شده است. آزمون سوئیل یک مقدار Z-value از طریق رابطه ۱ به دست می‌آید که در صورت بیش تر شدن این مقدار از $1/96$ می‌توان در سطح اطمینان $0/95$ معنادار بودن تأثیر میانجی یک متغیر را تأیید نمود.

$$Z - \text{value} = \frac{a \times b}{\sqrt{(b^2 \times s_a^2) + (a^2 \times s_b^2) + (s_a^2 \times s_b^2)}}$$

مفروضات رابطه ۱:

a : مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

b : مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

a^2 : مجذور مقدار ضریب مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

b^2 : مجذور مقدار ضریب مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

s_a^2 : خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

s_a^2 : مجذور خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر مستقل و میانجی

s_b^2 : خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

s_b^2 : مجذور خطای استاندارد مربوط به مسیر میان متغیر میانجی و وابسته

بر اساس رابطه ۱، نتایج آزمون سوبل نشان داد که عدد معناداری تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر عملکرد سازمانی برابر با $1/0.19$ و حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر چابکی سازمانی برابر با 0.096 ، کم‌تر از مقدار $1/0.96$ است؛ بنابراین، این فرضیه‌ها رد شدند؛ ولی فرضیه‌های تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی و تأثیر هم‌ترازی راهبردی از طریق چابکی بر عملکرد سازمانی، به ترتیب با عدد معناداری $2/0.84$ و $2/0.34$ تأیید شدند.

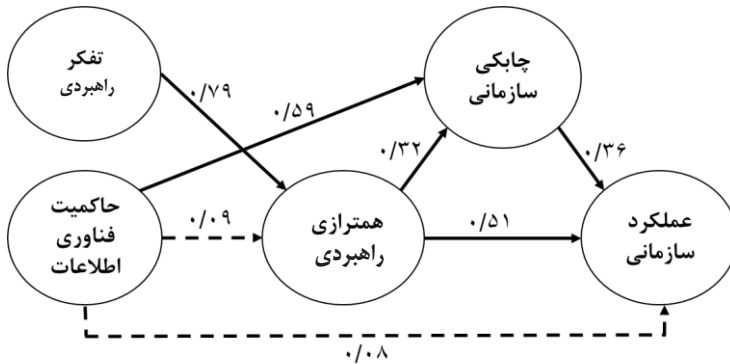
جدول ۷: نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

رد	فرضیه‌ها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	اثر کل	عدد معناداری آزمون	نتیجه
۱	تأثیر تفکر راهبردی بر هم‌ترازی راهبردی	۰/۷۹	-	۰/۷۹	۱۱/۳۶	تأیید
۲	تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات بر عملکرد سازمانی	۰/۰۸۸	-	۰/۰۸۸	۰/۸۰	رد
۳	تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی	۰/۵۹	-	۰/۵۹	۴/۹۶	تأیید
۴	تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات بر هم‌ترازی راهبردی	۰/۰۹۱	-	۰/۰۹۱	۱/۰۹	رد
۵	تأثیر هم‌ترازی راهبردی بر چابکی سازمانی	۰/۳۲	-	۰/۳۲	۳/۱۲	تأیید
۶	تأثیر هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی	۰/۵۱	-	۰/۵۱	۵/۲۸	تأیید
۷	تأثیر چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی	۰/۳۶	-	۰/۳۶	۳/۴۸	تأیید
۸	تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر عملکرد سازمانی	۰/۰۸	۰/۰۴۶	۰/۱۲۶	۱/۰۱۹	رد
۹	تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر چابکی سازمانی	۰/۵۲	۰/۰۳	۰/۵۵	۰/۹۶	رد
۱۰	تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد	۰/۰۸۸	۰/۱۹	۰/۲۷۸	۲/۸۴	تأیید
۱۱	تأثیر هم‌ترازی راهبردی از طریق چابکی بر عملکرد سازمانی	۰/۳۶	۰/۱۸	۰/۵۴	۲/۳۴	تأیید

نتیجه‌گیری

تاکنون مطالعاتی گوناگون به بررسی تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات هم‌ترازی راهبردی و چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی پرداخته‌اند. اما در این میان، هیچ پژوهشی به بررسی رابطه تفکر راهبردی به‌عنوان یک متغیر مکنون ضروری، برای استقرار هم‌ترازی راهبردی از طریق حاکمیت فناوری اطلاعات نپرداخته است. مهم‌ترین شکاف ادبیاتی موجود در این زمینه، نبود

بررسی هم‌زمان روابط این متغیرها با هم است که این پژوهش به بررسی آن‌ها پرداخته است. همچنین، در دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان، تاکنون این متغیرها مورد مطالعه قرار نگرفته‌اند و ارتباط این متغیرها که یکی از عوامل مؤثر مهم بر عملکرد بخش دولتی ایران هستند، بررسی نشده‌اند. نتایج به دست آمده از این پژوهش می‌تواند مدخلی برای بهبود و ارزیابی عملکرد سازمانی دستگاه‌های دولتی ایجاد کند. در نهایت، مدل نهایی پژوهش به صورت شکل (۳) ارائه شده است:



شکل ۳: مدل نهایی پژوهش پس از آزمون فرضیه‌ها

با توجه به شکل (۳) و نتایج به دست آمده از آزمون فرضیه‌ها، مقدار ضریب مسیر مربوط به فرضیه نخست (تأثیر تفکر راهبردی بر هم‌ترازی راهبردی) برابر با ۰/۷۹ و عدد معناداری ۱۱/۳۶ با سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد مورد تأیید است. مقدار ضریب مسیر مربوط به فرضیه دوم (تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات بر عملکرد سازمانی) برابر با ۰/۰۸ و عدد معناداری ۰/۸۰ پذیرفته نیست و تأیید نشده است. مقدار ضریب مسیر مربوط به فرضیه سوم (تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی) برابر با ۰/۵۲ و عدد معناداری ۴/۹۶، با سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد مورد تأیید است. مقدار ضریب مسیر مربوط به فرضیه چهارم (تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات بر هم‌ترازی راهبردی) برابر با ۰/۰۹ و عدد معناداری ۱/۰۹، پذیرفته نیست و تأیید نشده است. مقدار ضریب مسیر مربوط به فرضیه پنجم (تأثیر هم‌ترازی راهبردی بر چابکی سازمانی) برابر با ۰/۳۲ و عدد معناداری ۳/۱۲، با سطح اطمینان ۹۹ درصد مورد تأیید است. مقدار ضریب مسیر مربوط به فرضیه ششم (تأثیر هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی) برابر با ۰/۵۱ و عدد معناداری ۵/۲۸، با سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد مورد تأیید است. مقدار ضریب مسیر مربوط به فرضیه هفتم (تأثیر چابکی

سازمانی بر عملکرد سازمانی) برابر با ۰/۳۶ و عدد معناداری ۳/۴۸، با سطح اطمینان ۹۹/۹ درصد مورد تأیید است.

همچنین، برای فرضیه‌های غیرمستقیم از آزمون سوبل استفاده شد که نتایج به دست آمده از آن نشان داد که عدد معناداری فرضیه هشتم (حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد) برابر با ۱/۰۱۹ و همچنین با ضریب مسیر ۰/۱۳ رد شده است؛ بنابراین، نمی‌توان ادعا کرد که هم‌ترازی راهبردی رابطه میان حاکمیت فناوری اطلاعات و عملکرد سازمانی را میانجی‌گری میکند. عدد معناداری فرضیه نهم (حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر چابکی سازمانی تأثیر دارد) برابر با ۰/۹۶ و همچنین با ضریب مسیر ۰/۵۵ رد شده است؛ بنابراین نمی‌توان ادعا کرد که هم‌ترازی راهبردی رابطه میان حاکمیت فناوری اطلاعات و چابکی سازمانی را میانجی‌گری می‌کند. عدد معناداری فرضیه دهم (حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد) برابر با ۲/۸۴ و همچنین با ضریب مسیر ۰/۲۸ مورد تأیید است؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که چابکی سازمانی رابطه میان حاکمیت فناوری اطلاعات و عملکرد سازمانی را میانجی‌گری می‌کند. عدد معناداری فرضیه یازدهم (هم‌ترازی راهبردی از طریق چابکی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد) برابر با ۲/۳۴ و همچنین با ضریب مسیر ۰/۵۴ مورد تأیید است. بنابراین می‌توان ادعا کرد که چابکی سازمانی رابطه میان هم‌ترازی راهبردی و عملکرد سازمانی را میانجی‌گری می‌کند. بر اساس آزمون فرضیه‌ها و بنابر روش مدل‌سازی معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس نتایج نشان داد که فرضیه‌های دوم، چهارم، هشتم و نهم تأیید نشدند و سایر فرضیه‌ها مورد تأیید قرار گرفتند.

با توجه به جدول (۷)، در مورد مقایسه نتایج فرضیه‌های پژوهش با نتایج پژوهش‌های پیشین می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

فرضیه نخست: تفکر راهبردی بر هم‌ترازی راهبردی تأثیر دارد. در راستای سازگاری یافته‌های پژوهش پیش رو، با پژوهش‌های دیگر می‌توان به پژوهشی در مورد توسعه و آزمون یک چارچوب جدید برای هم‌ترازی راهبردی توسط ونگ (۲۰۱۴) پرداخت که نتایج به‌دست آمده از پژوهش وی نشان داد که تفکر راهبردی روی هم‌ترازی راهبردی اثر مثبت و معنادار دارد. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش با نتایج پژوهش ونگ (۲۰۱۴) همسو است. همچنین، در پژوهش دیگری توسط جلنس (۲۰۰۹) در مورد تأثیر تفکر راهبردی بر هم‌ترازی راهبردی نشان داد که تفکر راهبردی بر هم‌ترازی راهبردی اثر مثبت و معنادار دارد و می‌تواند باعث بهبود عملکرد شرکت‌های کارآفرین کروات شود که نتایج پژوهش پیش رو نیز با نتایج جلنس نیز همسو است.

فرضیه دوم: حاکمیت فناوری اطلاعات بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد. بررسی این فرضیه نشان داد که حاکمیت فناوری اطلاعات بر عملکرد سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر ندارد و این ادعا رد می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) با موضوع «چگونه حاکمیت فناوری اطلاعات و هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی تأثیر می‌گذارد: بینشی از مدیران کسب و کار و فناوری اطلاعات» که این رابطه را تأیید کرده‌اند، همسو نیست.

فرضیه سوم: حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی تأثیر دارد. نتایج این فرضیه نشان داد که حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر مثبت و معنادار دارد. بر اساس ادبیات موجود، تاکنون پژوهشی رابطه میان حاکمیت فناوری اطلاعات و چابکی سازمانی را بررسی نکرده است. اما وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) در پژوهش خود به این مورد اشاره کردند که میان حاکمیت فناوری اطلاعات و چابکی سازمانی ارتباط وجود دارد که در پژوهش پیش رو مورد بررسی قرار گرفته است.

فرضیه چهارم: حاکمیت فناوری اطلاعات بر هم‌ترازی راهبردی تأثیر دارد. بررسی این فرضیه نشان داد که حاکمیت فناوری اطلاعات بر هم‌ترازی راهبردی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر ندارد و این ادعا رد می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) و همچنین ده‌ایس و فان‌گرمبرگن (۲۰۰۹) که به مطالعه اکتشافی درباره پیاده‌سازی حاکمیت فناوری اطلاعات و تأثیر آن بر هم‌ترازی راهبردی پرداختند و نشان داده‌اند که میان حاکمیت فناوری اطلاعات و هم‌ترازی راهبردی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، همسو نیست. همچنین، بر اساس نظر ده‌ایس و فان‌گرمبرگن (۲۰۰۹) حاکمیت فناوری اطلاعات نیازمند بلوغ سازمانی است. فرضیه پنجم: هم‌ترازی راهبردی بر چابکی سازمانی تأثیر دارد. نتایج فرضیه نشان داد که هم‌ترازی راهبردی بر چابکی سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر مثبت و معنادار دارد. تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) در پژوهش خود با نام «دیدگاه رقابتی روی پیوند میان هم‌ترازی راهبردی و چابکی سازمانی: بینشی از یک مدل واسطه» بیان کردند که هم‌ترازی راهبردی تأثیری مثبت و معنادار بر چابکی سازمانی دارد که نتایج پژوهش پیش رو همسو با نتایج آن است.

فرضیه ششم: هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد. نتایج این فرضیه نشان داد که هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیری مثبت و معنادار دارد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش رهنورد و نیکزاد (۱۳۸۸)، وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵)، تالون و پینسونالت (۲۰۱۱)، برگرون، ریموند و ریوارد (۲۰۰۴) و بایلا و هو (۲۰۱۲) که رابطه مثبت و معنادار هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی را تأیید کرده‌اند، همسو است.

فرضیه هفتم: چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد. نتایج این فرضیه نشان داد که چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیری مثبت و معنادار دارد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش ابراهیمی رهبر و فدایی (۱۳۹۴)، محسنی‌مقدم و همکاران (۱۳۹۴)، خوش‌سیما و جعفرنژاد (۱۳۹۰) و تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) که رابطه مثبت و معنادار چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی را تأیید کرده‌اند، همسو است. همچنین، نتایج خوش‌سیما و جعفرنژاد (۱۳۹۰) نشان داد که چابکی هم به‌صورت مستقیم و هم از طریق مزیت رقابتی بر روی عملکرد سازمان‌ها تأثیر مثبت و معنادار دارد.

فرضیه هشتم: حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد. بررسی این فرضیه نشان داد که حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر عملکرد سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر ندارد و این ادعا رد می‌شود. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) که نشان دادند تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات به‌خوبی از طریق هم‌ترازی راهبردی بر روی عملکرد سازمانی میانجی می‌شود، همسو نیست.

فرضیه نهم: حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر چابکی سازمانی تأثیر دارد. بررسی این فرضیه نشان داد که حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی بر چابکی سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر ندارد و این ادعا رد می‌شود. بر اساس ادبیات موجود، تاکنون پژوهشی تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق هم‌ترازی راهبردی بر چابکی سازمانی را مورد بررسی قرار نداده است. اما در پژوهش تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) و وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر جداگانه این متغیرها با یکدیگر پرداخته‌اند و بیان کردند که میان حاکمیت فناوری اطلاعات و هم‌ترازی راهبردی و عملکرد ارتباط وجود دارد و حاکمیت فناوری اطلاعات بر هم‌ترازی راهبردی و هم‌ترازی راهبردی بر عملکرد سازمانی تأثیر مثبت و معنادار دارد که نتایج این پژوهش با نتایج آن‌ها همسو نیست.

فرضیه دهم: حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد. بررسی این فرضیه نشان داد که حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر دارد. بر اساس ادبیات موجود، تاکنون پژوهشی تأثیر حاکمیت فناوری اطلاعات از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی را مورد بررسی قرار نداده است. اما در پژوهش تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) و وو، استراب و لیانگ (۲۰۱۵) به بررسی تأثیر جداگانه این متغیرها با یکدیگر پرداخته‌اند و بیان کردند که میان حاکمیت فناوری اطلاعات و چابکی سازمانی و عملکرد ارتباط وجود دارد و حاکمیت فناوری اطلاعات بر چابکی

و چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی تأثیر مثبت و معناداری دارد که نتایج این پژوهش با نتایج آن‌ها همسو است.

فرضیه یازدهم: هم‌ترازی راهبردی از طریق چابکی بر عملکرد سازمانی تأثیر دارد. بررسی این فرضیه نشان داد که هم‌ترازی راهبردی از طریق چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی دستگاه‌های اجرایی شهر کرمان تأثیر دارد. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) که نشان داد اثر هم‌ترازی بر عملکرد سازمانی کاملاً به‌وسیله چابکی میانجی می‌شود، همسو است. تالون و پینسونالت (۲۰۱۱) همچنین بیان کردند که نااطمینانی محیطی نیز رابطه میان چابکی و عملکرد سازمانی را به‌طور مثبت تعدیل می‌کند و چابکی تأثیر زیادی بر عملکرد سازمانی در شرایط آشفته و نااطمینانی دارد.

پیشنهادها

نتایج این پژوهش نشان داد که عملکرد سازمان‌های دولتی شهر کرمان در سطحی نسبتاً مطلوب (۵/۳) است. بنابراین، با توجه به شاخص‌های عملکرد دستگاه‌های دولتی شهر کرمان می‌توان پیشنهادهایی را بر اساس فرضیه‌های پژوهش، به شرح زیر ارائه داد:

مدیران سازمان‌ها به‌منظور بهبود عملکرد سازمانی باید تمرکزی ویژه بر اثربخشی واحدهای کاری داشته باشند.

با توجه به این که کیفیت زندگی شخصی کارکنان تأثیری اجتناب‌ناپذیر بر عملکرد سازمان دارد، مدیران ارشد سازمانی باید رهنمودهایی را برای بهبود زندگی شخصی کارکنان خود در نظر گرفته و از آن حمایت کنند.

سازمان‌ها اقدامات اصلاحی (مانند ارزیابی عملکرد کارکنان، تعدیل یا جذب نیرو و آموزش) را تا زمانی که کارکنان به سطح عملکرد استاندارد دست نیابند، ادامه دهند.

مدیران به‌منظور پیگیری و پاسخ به شکایت‌ها و پیشنهادها مشتریان می‌توانند یک سیستم جامع و کامل انتقال بازخورد را ایجاد و مدیریت کنند.

مدیران سازمان‌ها می‌توانند با برگزاری دوره‌های آموزشی و کاربردی، بر اساس راهبردها و رسالت سازمان، برای کارکنان در سطوح مختلف سازمانی به‌طور مداوم عملکرد را در سطح سازمانی بهبود بخشند.

همچنین، با توجه به این که مدل این پژوهش در سازمان‌های دولتی شهر کرمان مورد آزمون قرار گرفت، به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که: ۱. برای تعمیم‌پذیری بیش‌تر، این پژوهش در

سازمان‌ها و شرکت‌های خصوصی و غیردولتی انجام شود؛ ۲. سایر عوامل مؤثر بر استقرار و ایجاد هم‌ترازی راهبردی با تأثیر تفکر راهبردی بررسی شود؛ ۳. با توجه به تأثیرپذیری چابکی سازمانی از نااطمینانی محیطی، می‌توان در پژوهش‌های آتی از این متغیر به‌عنوان تعدیل‌کننده میان چابکی سازمانی و عملکرد سازمانی استفاده کرد؛ ۴. برای مطالعات تکمیلی، علاوه بر مطالعات کمی، مطالعات کیفی به‌صورت مصاحبه درباره متغیرهای پژوهش نیز انجام شود.

منابع

الف) فارسی

- ابراهیمی رهبر، فرهاد و فدایی، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر چابکی سازمان بر عملکرد مالی سازمانی مورد مطالعه: شرکت‌های کوچک و متوسط تولیدکننده مواد غذایی در استان گیلان. *اولین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و حسابداری با رویکرد ارزش‌آفرینی*.
- خاکی، غلامرضا (۱۳۹۱). *روش‌های تحقیق به شیوه پایان‌نامه‌نویسی*، نشر بازتاب.
- خوش‌سیما، غلامرضا و جعفرنژاد، احمد (۱۳۹۰). ارائه مدل ساختاری چابکی، مزیت رقابتی و عملکرد سازمان‌های تولیدی ایران. *راهبردهای بازرگانی - دانشور رفتار سابق*، دوره ۱، شماره ۴۷، صص ۶۹-۹۲.
- رهنورد، فرج‌اله و نیکزاد، سعید (۱۳۸۸). ایجاد هم‌ترازی بین عناصر سازمانی در پرتو نقاط مرجع استراتژیک و رابطه آن با عملکرد سازمانی. *فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت دولتی*، دوره ۱، شماره ۲، صص ۱۹-۳۴.
- محسنی مقدم، اکرم؛ شیری‌صید، اردشیر و ویسه، مهدی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هوش سازمانی و چابکی سازمانی بر عملکرد سازمانی کارکنان دیوان محاسبات کشور. *کنفرانس بین‌المللی مدیریت، اقتصاد و سامانه‌های مالی*.

ب) انگلیسی

- Agarwal, R. & Lucas Jr, H. C. (2005). The Information Systems Identity Crisis: Focusing on High-Visibility and High-Impact Research. *MIS Quarterly*, 29(3), pp. 381-398.
- Bergeron, F.; Raymond, L. & Rivard, S. (2004). Ideal Patterns of Strategic Alignment and Business Performance. *Information & Management*, 41(8), pp. 1003-1020.
- Bosilj-Vuksic, V.; Milanovic, L. & Indihar-Stemberger, M. (2008). *Organizational Performance Measures for Business Process Management: A Performance Measurement Guideline*. In Computer Modeling and Simulation, UKSIM 2008. Tenth International Conference on Computer

- Modeling and Simulation (uksim 2008). (pp. 94-99). IEEE.
- Chan, Y. E. (1992). *Business Strategy, Information Systems Strategy and Strategic Fit: Measurement and Performance Impacts Digitized Theses*. p. 2143.
- Chun, Y. H. & Rainey, H. G. (2005). Goal Ambiguity and Organizational Performance in US Federal Agencies. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 15(4), pp. 529-557.
- Computer Sciences Corporation (2001). *Critical Issues of Information Systems Management*. Pub. CSC Index.
- De Haes, S. & Van Grembergen, W. (2009). An Exploratory Study into IT Governance Implementations and its Impact on Business/IT Alignment. *Information Systems Management*, 26(2), pp. 123-137.
- Hamann, P. M.; Schiemann, F.; Bellora, L. & Guenther, T. W. (2013). Exploring the Dimensions of Organizational Performance: a Construct Validity Study. *Organizational Research Methods*, 16(1), pp. 67-87.
- Jelenc, L. (2009). *The Impact of Strategic Management and Strategic Thinking on the Performance of Croatian Entrepreneurial Practice* (Doctoral Dissertation, Ekonomski Fakultet, Sveučilište u Ljubljani).
- Kearns, G. S. & Sabherwal, R. (2006). Strategic Alignment between Business and Information Technology: A Knowledge-Based View of Behaviors, Outcome and Consequences. *Journal of Management Information Systems*, 23(3), pp. 129-162.
- Liedtka, J. M. (1998). Strategic Thinking: Can it be Taught? *Long Range Planning*, 31(1), pp. 120-129.
- Luftmann, J. & Kempaiah, R. (2008). Key Issues for IT Executives 2007. *MIS Quarterly Executive*, 7(2), pp. 99-112.
- Melville, N.; Kraemer, K. & Gurbaxani, V. (2004). Review: Information Technology and Organizational Performance: An Integrative Model of IT Business Value. *MIS Quarterly*, 28(2), pp. 283-322.
- Moynihhan, D. P. & Pandey, S. K. (2005). Testing a Model of Public Sector Performance: How Does Management Matter. *Journal of Public Administration Research and Theory*, 15(3), pp. 421-439.
- Oh, W. & Pinsonneault, A. (2007). On the Assessment of the Strategic Value of Information Technologies: Conceptual and Analytical Approaches. *MIS Quarterly*, 31(2), pp. 239-265.
- Preston, D. S. & Karahanna, E. (2009). Antecedents of IS Strategic Alignment: A Nomological Network. *Information Systems Research*, 20(2), pp. 159-179.
- Rai, A.; Patnayakuni, R. & Seth, N. (2006). Firm Performance Impacts of Digitally Enabled Supply Chain Integration Capabilities. *MIS Quarterly*, 30(2), pp. 225-246.

- Sambamurthy, V.; Bharadwaj, A. & Grover, V. (2003). Shaping Agility through Digital Options: Reconceptualizing the Role of Information Technology in Contemporary Firms. *MIS Quarterly*, 27(2), pp. 237-263.
- Saunders, M. N. K.; Lewis, P. & Thornhill, A. (2003). *Research Methods for Business Students (3rd Ed)*. Harlow: FT Prentice Hall.
- Sharifi, H. & Zhang, Z. (2001). Agile Manufacturing in Practice-Application of a Methodology. *International Journal of Operations & Production Management*, 21(5/6), pp. 772-794.
- Straub, D. W. & Watson, R. T. (2001). Research Commentary: Transformational Issues in Researching Is and Net-Enabled Organizations. *Information Systems Research*, 12(4), pp. 337-345.
- Tallon, P. P. (2007). A Process-Oriented Perspective on the Alignment of Information Technology and Business Strategy. *Journal of Management Information Systems*, 24(3), pp. 227-268.
- Tallon, P. P. & Pinsonneault, A. (2011). Competing Perspectives on the Link between Strategic Information Technology Alignment and Organizational Agility: Insights from a Mediation Model. *MIS Quarterly*, 35(2), pp. 463-486.
- Tan, B. C.; Pan, S. L. & Hackney, R. (2010). The Strategic Implications of Web Technologies: A Process Model of How Web Technologies Enhance Organizational Performance. *IEEE Transactions on Engineering Management*, 57(2), pp. 181-197.
- Wang, H. L. (2014). *Developing and Testing a New Framework for Strategic Alignment*, Doctor of Philosophy Thesis, School of Management, Operations and Marketing, University of Wollongong.
- Weill, P. & Ross, J. (2005). A Matrixed Approach to Designing IT Governance. *Sloan Management Review*, 46(2), pp. 26-34.
- Weill, P. & Ross, J. W. (2004). *IT Governance: How Top Performers Manage IT Decision Rights for Superior Results*. Harvard Business Press.
- Weill, P.; Subramani, M. & Broadbent, M. (2002). Building IT Infrastructure for Strategic Agility. *Sloan Management Review*, 4(1), pp. 57-65.
- Wu, S. P. J.; Straub, D. W. & Liang, T. P. (2015). How Information Technology Governance Mechanisms and Strategic Alignment Influence Organizational Performance: Insights from a Matched Survey of Business and it Managers. *Mis Quarterly*, 39(2), pp. 497-518.
- Yayla, A. A. & Hu, Q. (2012). The Impact of IT-Business Strategic Alignment on Firm Performance in a Developing Country Setting: Exploring Moderating Roles of Environmental Uncertainty and Strategic Orientation. *European Journal of Information Systems*, 21(4), pp. 373-387.

